

## سید جمال الدین اسدآبادی

و

### مطبوعات

دیرآشنایی دانشوران اسلامی با مطبوعات شد. ولی اینک - خدا را سپاس - که مطبوعات در دل و دیده بسی از حوزویان قدر و قُرب یافته و مکانتی پیدا کرده است. پس، از باب «تَقَالُوا بِالْخَيْرِ تَجِدُوهُ»، تَقَالُ خیر می‌زنیم و امید می‌بریم که روزی مطبوعات در حوزه‌های علمیه اهمیت خویش را بیابد و حوزویان را با آن - چنانکه باید - الفت حاصل شود.

اکنون از حوزه علمیّه قم، یک‌ته، بیست مجله صادر می‌شود که ده مجله آن را دفتر تبلیغات اسلامی به دوش می‌کشد: آینه پژوهش، حوزه، نقد و نظر، فقه، پاسدار اسلام، فصلنامه علوم سیاسی، با معارف اسلامی آشنا شویم، پوپک، سلام بچه‌ها، پیام زن. و ده مجله دیگر عبارت است از: مکتب اسلام، معرفت، کلام اسلامی، فقه اهل بیت، پیام حوزه، بینات، تراثا، الفکر الاسلامی، نامه مفید و رساله الثقلین. این نشریات مخاطبان گوناگونی دارند: از کودکان و نوجوانان گرفته تا زنان و عامه مردم و کتاب پردازان و فقیهان و کلام پژوهان و جستجوگران علوم قرآنی.

در این مجال به سراغ مقاله ای می‌رویم از مصلح بزرگ جهان اسلام، سید جمال الدین اسدآبادی. وی نزدیک به صد سال پیش در مقاله ای تحت عنوان «فوائد جریده»، مسلمانان را

مطبوعات رکن فرهنگ هر جامعه و آینه آن است. انتقال فکر از طریق آن بسادگی صورت می‌بندد و از همین رو اینک جلوتر از کتاب در همه جوامع در جریان است. سهولت انتشار و پخش و تهیه مطبوعات از عوامل دامن‌گستری آن است؛ تا آنجا که احتمال داده اند روزی می‌رسد که مطبوعات، کتاب را پس پشت افکند و آن را در زیر سلطه خود بکشد و شیرازه اش را بگسلد. اما چنین می‌نماید که در حال حاضر این دو رقیب بیش از آنکه حالت خصمانه داشته باشند، مکمل یکدیگرند و در آینده به همزیستی مسالمت آمیز تن می‌دهند. از نظریه هراس انگیز مک لوهان هم مبنی بر غبار شدن «کهکشان گوتنبرگ» در برابر هجوم «کهکشان مارکونی» نباید به خود هراس داد و خیال «جامعه بدون کاغذ» نیز جز سودایی محال نیست.

پیشرفت مطبوعات از آغاز قرن هفدهم و اوج آن در قرن نوزدهم و بیستم است. اکنون در هر سال متجاوز از چهار میلیون مقاله در جهان منتشر می‌شود. اغلب این مقالات از آن دنیای غرب است و - سوگمندان - حصه جهان اسلام در این میان اندک است. جهان اسلام دیر با مطبوعات آشنایی به هم زد. حوزه‌های علمیه هم دیرتر و حوزه علمیّه قم نیز بسی دیرتر. شاید ابتدال و ناهنجاری برخی از مطبوعات - که کم هم نبودند - سبب

کامله از برای خویش نماید - و تعاون و توازر اشخاص متکثره مختلفه الطبیعه صورت وقوع نخواهد پذیرفت، مگر به تکافؤ<sup>۶</sup> در اشغال و تناسب در افعال و تعادل در اعمال بدان گونه که آن افراد متعدده را صورت وحدانیه حاصل گردد - و تکافؤ و تعادل در عمل در عالم خارج پیرایه وجود و هستی نخواهد یافت، جز به اعتدال اخلاق باطنیه و قوای نفسانیه و نزاهت<sup>۷</sup> آنها - و استقامت اخلاق و اعتدال سجایا هرگز وجود نپذیرد الا به بصیرت و بینایی و تعدیل قوای عقلیه و تقویم و تهذیب ملکات آن - البته آن مدبر بصیر انا<sup>۸</sup> و لهما<sup>۹</sup> حکم خواهد کرد که علت حقیقی و سبب اصلی سعادت تامه<sup>۱۰</sup> هر امتی از اسم، عقل و بصیرت و نزاهت و اعتدال اخلاق آن امت است و باعث شقا و موجب پریشان حالی آن زوال آن علت است - چون این ظاهر شد پس باید دانست که اخلاق نفسانیه و قوی و ملکات عقلیه را عجائب جزری و مدی و قبضی و بسطی و ارتفاعی و انخفافی و ازدیادی و نقصانی و عروجی و هبوطی می باشد - حتی اگر امتی از امم غفلت ورزیده، زمانه قلیلی از مراقبت و محافظت اخلاق نفسانیه و قوای عقلیه خود چشم پیوشد و در تعدیل و تقویم ادامه و تثبیت آنها بر مراکز لاثقه تساهل کند، آن اخلاق و قوی اگر چه به درجه عالییه رسیده باشد، رفته رفته روی به اضمحلال آورده تا آنکه بالمره معدوم و نابود خواهد گردید و آن امت نه تنها از سعادت و رفاهیت محروم خواهد شد بلکه در اندک زمانی از دایره انسانییت بیرون شده، به حیوانات و حشیه ملحق خواهد گردید. پس هر امتی را باید علی الدوام از برای صیانت اخلاق و حفاظت ملکات و راهنمایی به سوی سعادت منبهی از غفلت و صائنی از هبوط و سائقی به سوی فضایل و قایدی به جانب کمالات و مانعی از رذایل و زاجری از نقایص و آمری به معروف و ناهی از منکر بوده باشد؛ و چون به مسبار<sup>۱</sup> بصیرت سیر نماییم و به میزان عقل بسنجیم، هیچ چیزی را درین زمان نمی بینیم که متصف به جمیع این اوصاف و دارای همگی این مزایا بوده باشد، مگر جراید و اخبار نامه های یومیه؛ زیرا که هر

به اهمیت مطبوعات و مطالعه آن تبه داد. از مطاوی مقاله پیداست که سید جمال به کارآیی و تأثیر مطبوعات و نقش آن در اصلاح جامعه متفطن بود و خوب می دانست که این اهرم می تواند در تکان دادن یک ملت کارگر افتد. وی در این مقاله نوزده فایده برای مطالعه مطبوعات می شمارد و در این کنکاش، بسی می کوشد تا شاید جهان خفته اسلام از رهگذر مطبوعات به جنبش آید و در «تطهیر نفوس» و «تنویر عقول» بکوشد. آینه پژوهش نظر به اهمیت این مقاله و دور از دسترس بودن آن، چاپ آن را در چارچوب کار خویش سودمند یافت و آن را به محضر ارباب قلم تقدیم می کند. امید است مقبول افتد و سودمند باشد.

\*\*\*

#### فواید جراید

عجیب است حالت انسان. عجیب است حالت انسان که صراط مستقیم سعادت و راه راست نیکبختی را ترك نموده در اراضی و عره<sup>۱</sup> شقا و سنگلاخهای بدبختی جویای رفاه حال و آسایش خویش می باشد. اگر کسی صحف تواریخ و کتب سیر را به نظر اعتبار مطالعه کند و در مضامین آنها به دیده بصیرت غور نماید، بی شبهه بر او ظاهر و روشن خواهد شد که غنی<sup>۱</sup> و ثروت و امنیت و راحت و سلطه و سطوت و قوت و علو کلمه و عزت و شأن و شهرت هر امتی از امم و هر قبیله ای از قبایل در آن زمانی بوده است که افراد آن امت متخلق به اخلاق فاضله و متصف به سجایای پسندیده بوده اند و هر طبقه از طبقات آن قوم را بهره وافر بوده است از بصیرت و بینایی؛ و فقر و فاقه و ذل و مسکنت و ضعف و انحطاط کلمه و حقارت و پریشان حالی و گمنامی آن در آن وقتی بوده که جهل و عمش<sup>۲</sup> و نایبانی، عموم اشخاص آن را فرا گرفته و صنف صنف آن گروه به سوء طویت و فساد اخلاق و تباهی افکار مبتلا گردیده بودند؛ و بدین سیر و دوران هر کسی می تواند حکم کند که سعادت امم نتیجه بینایی و اخلاق مهذبیه، و شقاوت آنها اثر غباوت و سجایای ناستوده است. بلکه اگر کسی تعمق و تدبر نماید درین مسأله که سعادت امتی که به اسم واحده نامیده و بسمه<sup>۳</sup> واحده شناخته می شود، بلکه رفاهیت هر فردی از افراد آن حاصل نمی گردد مگر به تعاون و توازر، زیرا که بالبداهه شخص واحد بلکه شردمه<sup>۴</sup> قلیله ای که مآلفه<sup>۵</sup> از آحادی چند بوده باشد، هرگز قیام بر معیشت ضروریه خود نتواند کرد، تا کجا که استحصال سعادت تامه و رفاهیت

۱. سنگلاخ.
۲. کوری و نایبانی.
۳. وحده به امتحان کردن واحد و در اینجا به اضافه است و اصل سمه است.
۴. جماعت اندک.
۵. مرکب از ترکیب شدن.
۶. برابر داشتن.
۷. پاکی از همه مکروهات.
۸. انا به اعتبار انیت یعنی ثبوت حکم در نفس الامر.
۹. لهما به اعتبار لیمت یعنی علت حکم در نفس الامر.
۱۰. آلتی است که عمق زخم را امتحان کند.

عوام الناس از آن بهره ور شوند، ذکر می کند.

۸- تحدید انسان و شرح فضیلت انسان را نموده، پس از آن اغنیا و ارباب مکنت را به فضیلت انسانیت دعوت و به انشاء مکاتب عمومیّه از برای علوم و معارف و صنایع و بنای دارالشفاهات ترغیب و تشویق می نماید.

۹- و از برای برانگیختن هممّ خامله<sup>۱۴</sup> و احیای نفوس میته، ذکر فضایل آیای ماضیه و اجداد سالفه را به جهت اولاد و احفاد به نهج شیرین گاه و بی گاه فریضه ذمت خود می داند.

۱۰- احوال و اخبار امم بعیده را در اعمده خود به تفصیل نقل می کند، تا آنکه صاحبان سیاست نصیب خویش را از آن بردارند و خداوندان تجارت حظ و بهره خود را بگیرند و ارباب علوم فواید علمیه را اکتساب کنند و آحاد امت بر احوال آنها نظر دقت نموده، اگر از اهل سعادتند، اجتهاد نموده، اسباب آن را فهمیده پس از آن همت خود را برانگیخته و عرق حمیت و غیرت خویش را حرکت داده، در صدد مبارات<sup>۱۵</sup> و مجارات<sup>۱۶</sup> آنها برآیند و اگر از اهل شقا می باشند، از آن عبرت گرفته از بواعث آن اجتناب نمایند.

۱۱- و حاکم را بر عدالت دعوت و فواید آن را بیان و وکالت عموم رعیت را نموده، شکوایای آنها را به حکومت می رساند و دفع ظلم مأمورین و رفع حکام رشوتخوار را می کند، حوادث آتیه را تفرس نموده، ارباب حل و عقد را آگاه می سازد تا آنکه قبل از حدوث آن در دفع و علاج آن بکوشند و حکومت و رعیت از ضرر آن محفوظ ماند.

۱۲- و اگر شخصی اجنبی امر ناملایمی به قوم آن نسبت بدهد، به ادله و براهین متقنه که برنده تر است در نزد دانایان از شمشیرها- دفاع از قوم خود را واجب می داند.

۱۳- و دافع افکار هر عاقلی را به سایر عقلا می رساند و عالمان را به یکدیگر آگاهی می دهد.

۱۴- حکایات لطیفه و نکت ظریفه و اشعار بلیغه را از برای انشراح صدور گاه گاهی به قارئین خود عرضه می کند.

۱۵- اجزای متلاشیه امت را و اعضاء متفرقه آن را جمع نموده، به حیات تازه زنده اش می گرداند.

۱۶- خوانندگان خود را نشسته به سیر و سیاحت عالم دلشاد می کند.

صنعت و حرفه ای را موضوعی است خاص و یا عامی که از سوء تصرف نااهلان را به منزله خاص گردیده است و صاحب آن در او مستغرق شده، چشم از مشارکین خویش در عالم مدنیت پوشیده و از سود و زیان تقدم و تاخر آنها غفلت ورزیده است، بلکه ضرورات معیشت او را در غالب اوقات از اتقان صنعت خویش باز داشته است. اما اخبار آن یگانه صنعت است که موضوع آن عموم احوال و اخلاق امم و غایتش اصلاح شوون خویش و جلب سعادت و رفاهیت و امنیت از برای آن بلکه از برای جمیع امم می باشد. فواید جراید:

۱- آن است که جریده (اخبارنامه)، مسابقت می نماید در نشر فضیلت ارباب فضایل اولاً از برای محمدت حقه که جزای صاحب فضیلت است و ثانیاً از برای حث<sup>۱۱</sup> دیگران بر اکتساب فضایل.

۲- و مبادرت می کند بر ذکر ذائلی که ضررهای آنها متعدی است به جهت کبح<sup>۱۲</sup> صاحب رذیله و زجر سائر ناس از ارتکاب مثل آن.

۳- منافع اخلاق جمیله را به ادله واضح و بیانات شافیه به تهجی که عوام از آن فایده بگیرد و خواص نیز بی بهره نماند، هر روزه در اعمده خود ادا می نماید و مساوی صفات خسیسه دنیّه را و مضرت آنها را در عالم انسانی به عبارات دلپذیر، شرح و بسط می دهد.

۴- فواید علوم را از برای عموم چنان بیان می کند که هر کسی را یقین حاصل می شود که سعادت هر امتی و رفاهیت و عزت آن به علوم حقه و معارف حقیقیه بوده است نه به غیر آنها، و خسارت و زیان جهل را به طوری تقریر می نماید که هر جاهل غبی اعتراف می کند که هر بلیّه و مصیبت و گزندگی که او را رسیده است از شامت جهل بوده است.

۵- درجات شرف علوم را به اندازه منافع آنها در عالم انسانی تعیین می نماید و مقدار لوازم هر یک را مدلل و مبرهن می سازد تا آنکه نادانی به جهت فایده زهیده<sup>۱۳</sup> صرف عمر گرانها را نکند و از فایده جلیله ای که از اشتغال به علم دیگر حاصل می شد، محروم نگردد.

۶- و جوب صنایع را که نتایج علوم است در عالم مدنیت تشبیت و بر عدم حصول رفاهیت و سعادت بدون ترقی در صناعات، اقامه براهین قاطعه می کند.

۷- و معارف ضروره ای که هر انسان را از برای صدق اسم انسان بر او دانستنش واجب و لازم است چه اوکیات جغرافیه و چه مبادی طبیعیات و چه انموذج فلکیات و چه حوادث جوبه و چه لوازم زراعت و چه مقتضیات حرف و چه ضروریات طبیّه و چه ترتیب منزل و چه تنظیم بلاد و چه تربیت اولاد بر نوعی که

۱۱. برانگیختن.

۱۲. کشیدن لگام یعنی بازداشتن.

۱۳. به معنی کم و اندک.

۱۴. افسرده.

۱۵. معارضه و مقابله.

۱۶. رفتن دو کس برابر یکدیگر.

و عدو را صدیق و صدیق را عدو و قریب را بعید و بعید را قریب و ضعیف را قوی و قوی را ضعیف و منفعت را مضرت و مضرت را منفعت و حسن را قبیح و قبیح را حسن و موهوم حقیقی را موجود و موجود حقیقی را موهوم و امی نماید و البته عدم این گونه جریده از وجود آن بمراتب غیرمتناهیه بهتر است.

چون فایده اخبارنامه‌ها و مزیت آنها معلوم گردید، اکنون مرآمی رسد که تأسف خویشتن را اظهار کرده، بگویم هندوستانی<sup>۱۹</sup> که از قدیم زمان معادن علوم و معارف و منبع صنایع و بدایع و ینوع<sup>۲۰</sup> حکم و فلسفه و کان قوانین و نظامات و مدنیت بوده است، چرا باید جراید را در آن آنقدر که باید و شاید مقدار و منزلت نباشد و جراید منطبقه در آن عبارت از معدودی چند باشد و کثرت عدد سکان که به دوصد میلیون (چهارصد کرور) بالغ می‌شود و چرا اهالی آن مملکت را رغبت تامه در خواندن جراید نباشد با عظم فایده و کثرت منافع آن. و اما آن عذری که بعضی از ارباب و جاهت هند در باب نخواندن جریده تقدیم کرده، می‌گویند روزنامه خواندن مقبول نیست، زیرا که معلوم است نزد هر صاحب بصیرتی که اتقان صنعت و احکام حرف و تأتق<sup>۲۱</sup> در اعمال و تحسین افعال بر حسب رغبت و میل عموم امت می‌باشد. پس نقص را باید در افکار عمومی دانست، نه در اخبارنامه‌ها. اگر عموم اهالی را رغبتی کامل و میلی صادق از برای خواندن جراید حاصل شود، بی شبهه صاحبان جراید صرف افکار نموده آنچه در جنایای<sup>۲۲</sup> عقول داشته باشند، برای خواهش افراد امت به منصه شهود، جلوه خراهند داد، بلکه فکر خویش را با افکار دیگران شریک کرده و هر روزی مقالهای شیرین از برای تربیت و تهذیب عموم انشاء خواهند نمود. این است مجمل آنچه می‌خواستیم در فضیلت جراید بیان کنم.

والسلام



۱۷. چاک و پاره شدن.

۱۸. نشاط آورنده.

۱۹. آیا در ایران آن روزگاران - و بلکه در وضعیت کنونی - گرایش به مطبوعات به گونه‌ای بود که موجب اظهار تأسف سید جمال الدین نگردد؟ باری هر کجا روی آسمان همین رنگ است!

۲۰. چشمه.

۲۱. از اذیت، خوبی.

۲۲. گوشه‌ها.

۱۷- بیماران به امراض مزمنه را به اطباء ماهرین دلالت و جاهلان را به علماء متفنین رهبری و فقر را به مواقع غنا و اکتساب ارشاد می‌نماید.

۱۸- دوست امت را از دشمن تمیز می‌دهد و لباس تلبیس را منسوخ<sup>۱۷</sup> می‌سازد.

۱۹- به کمینگاههای شر و شقا از برای احتراز کردن اخبار کرده به شاهراههای سعادت ارشاد می‌کند و از برای جلب منفعت و دفع مضرت حقایق اشیا را چنانچه در واقع است، جلوه داده و آشکارا می‌نماید و در هر جا و هر چیزی که منفعتی از برای امت خود دیده، حالا اعلان می‌کند. و بالجمله جریده، انسان خواهان سعادت را دوربینی است جهان نما و ذره بینی است حقیقت پیرا، و راهبری است نیک فرجام، و صدیقی است سعادت انجام، و طیبی است شفیق، و ناصحی است صدیق، و معلمی است متواضع، و مؤدبی است خاضع، و دیده بانی است بیدار، و حارسی است هوشیار، و مربی است کامل از برای عموم، و تریاق شافی است به جهت جمیع هموم، و بهترین منشطی<sup>۱۸</sup> است خاملین را و نیکوترین منبیهی است غافلین را و روح بخش است دلهای مرده را و برانگیزنده است افکار افسرده را و در وحدت جلیس است و در وحشت انیس.

عالمان راست سرمایه؛ عارفان راست پیرایه؛ تاجران را رهبر و حاکمان را مشیر معدلت گستر؛ زارعان را قانون فلاح است و صنعتان را استاد صنعت، و جوانان را دبستان و عوام راست ادبستان. ارباب بصیرت راست نور دیده و خداوند سیاست را دستوری است پسنیدیده، و مدنیت را حصنی است حصین و سعادت انسانی را حبلی است متین، و شرف و منزلت و رفعت جریده و کثرت آن بر حسب ترقی امم است در علوم و معارف و عروج آنهاست به مدارج مدنیت، زیرا که عالم عارف حاجات و ضروریات خویش را از جاهل غافل بیشتر می‌داند و در استحصال آنها زیاده سعی مبذول می‌دارد. پس هر امتی که جوین سعادت و خواهان رفاهیت بوده باشد، باید بداند که به غیر از جراید و اخبارنامه‌های یومیّه به مقصود اصلی و مطلوب حقیقی خود نخواهد رسید. پس به عبث راههای بیغوله نباید و اراضی پست و بلند را بیهوده قطع نماید، و لکن به شرط آنکه صاحب جریده بنده حق بوده باشد، نه عبد دینار و درهم. زیرا که اگر بنده دینار و درهم بوده باشد، حق را باطل و باطل را حق و خائن را امین و امین را خائن و صادق را کاذب و کاذب را صادق